

## امام حافظ احمد بن علی بن حجر عسقلانی

الحاج عبدالکریم غریق - هالند

امام شیخ الاسلام حافظ شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن محمود بن احمد بن حجر کنانی عسقلانی شافعی مصری عالم، محدث، مؤرخ، فقیه، شاعر و ادیبی برجسته بود، و اصالتاً نسب وی به قبیله کنانه می‌رسد. او را عسقلانی از آن جهت می‌گویند، که نسبتش به عسقلان شهری از سرزمین فلسطین می‌باشد، و آن شهر در ۶۵ کیلومتری بیت المقدس واقع گردیده است، که امروزه آن را یهودیان بنام اشکلون یاد می‌کنند. در گذشته بعد از آن که عسقلان در اثر جنگ های صلیبون ویران گردید، سلطان صلاح الدین ایوبی برای آبادی دوباره آن نواحی مردم را از مناطق مختلف به آن منطقه آورد، که اجداد ابن حجر نیز از جمله همان منتقلین بودند. و باز پدران وی از آن جا به قاهره در مصر کوچ کردند. پدر ابن حجر علی بن محمد عسقلانی نیز شخصیتی عالم، شاعر، فقیه، ادیب، فاضل، صاحب دیانت و با اخلاق بوده، و مدتی در حکم و قضاء نیابت بهاء الدین ابومحمد عبدالله بن عبدالرحمن معروف به ابن عقیل شافعی را به عهده داشت، فتوا هم می‌داد، و قریحه شعری هم داشت، و شعر نیز نکو می‌سرود، و چند دیوان شعری از او باقی است. ابن حجر در سیزدهم ماه شعبان سال ۷۷۳ هجری قمری در قاهره در خانه ای در کنار رود نیل در محله دارالنحاس متولد گردید، و هنوز سن او به چهار سالگی نرسیده بود، که پدرش در ماه رجب سال ۷۷۷ هجری قمری وفات یافت، و او از پدر یتیم گردید.

ابن حجر برادر دیگری هم نداشت، زیرا پدرش را قبلاً پسری دیگری بود، که او در زمان حیات پدر وفات یافته بود، بدین مناسبت پدرش زیاد اندوهگین گردید، تا اینکه یکی از شیوخ بنام شیخ یحیی صنافیری که مردم به وی ارادت داشتند، و او را اهل کرامات می‌دانستند، او را تسلیت داد، و برایش دعا کرد، و باز خداوند ابن حجر را بوی اعطاء نمود. بعد از فوت پدر تربیت ابن حجر را یکی از بازرگانان مشهور و رئیس التجار مصر که از نزدیکان و دوستان پدرش بود، بنام زکی الدین ابوبکر بن نورالدین علی کارمی خروبی بنا بوصیت پدرش به عهده گرفت، و او را در سن پنج سالگی برای آموزش قرآن مجید به مکتب قرآن فرستاد. ابن حجر حفظ و قرائت قرآن کریم را تا نه سالگی در نزد صدرالدین محمد بن محمد بن عبدالرزاق سلفی شافعی کامل نمود. و در سال ۷۸۵ هجری قمری در سن دوازده سالگی به همراه وصی خود زکی الدین خروبی عازم مکه معظمه شد، و در مکه در نزد جمال الدین محمد بن عبدالله بن ظهیره عالم و دانشمند حجازی حدیث خواند، و از عقیف الدین عبدالله بن محمد بن محمد بن سلیمان نیشابوری مکی، و ابی الفرج عبدالرحمن بن احمد بن مبارک غزی و دیگران صحیح بخاری را استماع کرد. ابن حجر دوباره به همراه خروبی در سال ۷۸۶ هجری قمری به مصر برگشت. و بعد از آن عمده الاحکام مقدسی، الحاوی الصغیر قزوینی، مختصر ابن حاجب، ملحة الإعراب هروی، منهج الاصول بیضاوی، الفیه

عراقی، الفیه ابن مالک و التنبیه شیرازی را از نزد عبدالرحیم عراقی، شیخ ابن ملقن، ابن جماعه و دیگران بسرعت فراگرفت، حرص وی به فراگرفتن علوم و تلاش وی برای تحصیل دانش چنان بود، که گاهی خرید و فروش کتاب می کرد، و هم بعضی آثار دانشمندان پیشین را برای تحقیق و جستجو به عاریت می گرفت، چنان که از یکی از شیوخ خود بنام بدرالدین بشتکی که یکی از شعرای مشهور هم بود، کتاب الاغانی ابی الفرغ اصفهانی را عاریت گرفت، و آن را بشکل بسیار دقیق مورد تحقیق و مطالعه قرار داد. اما خروبی وصی ابن حجر در سال ۷۸۷ هجری قمری وفات یافت، و بعد از آن ابن حجر مدتی هم به پیشه تجارت که پیشه خانواده گی او نیز بود، اشتغال ورزید، که این هم مانع توجه و تمایل وی به علم و علماء نگردید، و بعد در سال ۷۹۰ هجری قمری که در آن هنگام عمرش به هفده سال تمام رسیده بود، علم تجوید و قرائت را در نزد شیخ شهاب الدین احمد خیوطی تکمیل نمود، و باز در حلقه شاگردان علامه شمس الدین محمد بن قطان مصری درآمد، و علوم فقه، ادبیات عرب و حساب را از او فراگرفت، و وقتی عمرش به نوزده سالگی رسید، او شخصیتی صاحب نظر در فنون ادبیات، شعر و نثر نویسی بود، او بعد از سال ۷۹۳ هجری قمری دوباره به علم حدیث روی آورد، و تا سال ۷۹۹ هجری قمری یکی از بارزترین علمای عصر خود گشت. ابن حجر در فقه پیرو مذهب امام شافعی و در کلام از ارادتمندان امام ابوالحسن اشعری بود. ابن حجر شخصیتی فصیح الکلام، هوشمند و با حافظه بود، او با کمک هوش و حافظه قوی که داشت، با سرعت هم چیز را به حافظه می سپرد، و با قوت یادگیری و تلاش بی وقفه ای که داشت، به سرعت تواست به یکی از نخبه گان میدان علم و دانش مبدل گردد، چنانکه او را حافظ عصر و امیرالمؤمنین در حدیث گفته اند. ابن حجر را در ردیف ابونعیم اصفهانی، دارقطنی، خطیب ابوبکر بغدادی و شمس الدین ذهبی می شمارند. او علاوه بر سخنرانی ماهر و خطیبی توانا بود، و خطابه های عالمانه و آتشین او در جامع الازهر، جامع عمرو بن عاص و سایر مساجد قاهره و شهرهای بزرگ دیگر معروف است. ابن حجر انسانی خوش صورت، سفید چهره، با قدی متوسط مایل به کوتاهی و آدمی لاغر اندام بود، و اخلاقاً آدمی صبور، حلیم، متواضع، با وقار و متبسم بود، و با همگان با کرامت و خضوع پیش آمد می کرد، و در عین حال مردی باتقوا بود، زیاد روزه می گرفت، و نماز برپا می داشت. ابن حجر اکثراً در قاهره ساکن بود، اما برای تحصیل علم، دیدار با علماء و دانشمندان و دعوت مردم و آموزش علوم اسلامی سفرهای متعددی به شهرها دیگر شام، مصر، حجاز و یمن داشت، و هیچ گاه از کسب علم غفلت نمی کرد، و هر جا دانشمند، محدث، فقیه و عالمی را می یافت، و می توانست، به سراغش می رفت، ابن حجر در سال ۷۹۳ هجری قمری به شهر قوص و دیگر شهرهای صعید مصر سفر کرد، و با ناصرالدین قاضی شهر همو، ابن السراج قاضی شهر قوص و جمع دیگری از اهل علم و ادب دیدار نمود. وی در ماه ذی القعدة سال ۷۹۹ هجری قمری از راه طور و از طریق دریای سرخ به یمن رفت، و در سال

۸۰۰ هجری قمری به یمن رسید، در آن سفر با سلطان اشرف اسماعیل بن عباس از سلاطین رسولی یمن ملاقات نمود، سلطان مذکور برایش صله داد، و او نیز کتابی را به خط ابن الفوطی برای سلطان اهداء نمود. وی در سفر یمن به شهرهای مختلف گردش کرد، و با علماء و بزرگان متعددی از اهالی آن دیار ملاقات نمود، و از آن ها استماع حدیث نمود، و در این سفر بود، که با شیخ مجد الدین فیروزآبادی ملاقات نمود، و از محضرش کسب فیض کرد. ابن حجر به همراه کارونی که سلطان یمن ترتیب داده بود، برای ادای مناسک حج عازم مکه مکرمه شد، و از آن جا در سال ۸۰۳ هجری قمری عازم شامات گردید، مدت اقامت او در دمشق صد روز طول کشید، و در این مدت معجم الاوسط طبرانی، معرفة الصحابه ابن منده و مسند ابی یعلیٰ موصلی را از نظر گزرائید، و به شهرهای قطیه، غزه، رمله، قدس و صالحیه سفر کرد، و از علمای آن نواحی کسب دانش و استماع حدیث نمود. و بعد به قاهره برگشت. بازگشت او به قاهره هم زمان با لشکر کشی امیر تیمور گورگان به سرزمین شام بود. و بعد از بازگشت به قاهره او تالیف و تدریس را ادامه داد. ابن حجر در مدرسه حسنیه و منصوریه تفسیر، در مدرسه بیبرسیه، جمالیه، زینبیه، شیخونیه، جامع طولون، قبه منصوریه و محمودیه حدیث و در مدرسه خروبیه، فخریه، شیخونیه، صالحیه، صلاحیه و مؤیدیه فقه تدریس می کرد. گرچه حوزه کار و تدریس ابن حجر علم حدیث بود، اما بنا به پیشنهاد امام محب الدین بن الواحدی مالکی او قسمتی از وقتی خود را روی کار در علم فقه هم متمرکز کرد، که در آن حوزه نیز او یکی از علمای شاخص فقه و افتاء شناخته می شود، و نامبرده در روزی قریب به ۳۰ فتوا صادر می کرد. چنانکه بالآخره وظیفه افتاء در دارالعدل سلاطین مملوکیه مصر نیز به او محول گردید، و این وظیفه هم چنان ادامه داشت، که در اول ماه شعبان سال ۸۱۵ هجری ابن حجر با اتفاق امراء و قضات در مجلس بیعت با سلطان مؤید اشتراک نمود، و کنیه ابوالنصر را برای سلطان مذکور پیشنهاد کرد، که پذیرفته شد. ابن حجر مدتی نیز وظیفه قضاء را بدوش داشت. شوق ابن حجر بر تحقیق و تتبع چنان بود، که با همه مشاغلی که داشت، وظیفه کتابداری مدرسه محمودیه را نیز بدوش گرفت، زیرا مدرسه مذکور دارای مجموعه ای از بهترین و نفیس ترین کتاب ها بود، و آن مجموعه را قاضی برهان الدین ابراهیم بن عبدالرحیم بن جماعه جمع آوری نموده بود، و ابن حجر برای گسترش کارش از امکانات کتابخانه مذکور نیز استفاده می نمود.

### اساتید و مشایخ ابن حجر عبارت اند:

#### در علم قرائت:

- ۱ - ابراهیم بن احمد بن عبدالواحد بن عبدالؤمن تنوخی معروف به شیخ برهان الدین شامی متوفی سال ۸۰۰ هجری قمری که در دانستن قرآت مختلفه کسی به پایه او نمی رسید.
- ۲ - محمد بن محمد بن محمد دمشقی جزری متوفی سال ۸۳۳ هجری قمری.

### در علم حدیث:

- ۱- عبدالله بن محمد بن محمد بن محمد بن سلیمان نیشابوری معروف به نشاوری متوفی سال ۷۹۰ هجری قمری.
- ۲- جمال الدین محمد بن عبدالله بن ظهیره مخزومی مکی متوفی سال ۸۱۷ هجری قمری.
- ۳- ابوالفضل عبدالرحیم بن حسین بن عبدالرحمن کردی عراقی معروف به شیخ زین الدین عراقی حافظ کبیر مقیم قاهره و متوفی سال ۸۰۶ هجری قمری، که بزرگترین شیخ ابن حجر در علم حدیث بود، و ابن حجر می گوید: من ده سال ملازم او بودم.
- ۴- ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر بن حسن هیشمی مقیم قاهره و متوفی سال ۸۰۷ هجری قمری صاحب کتاب مجمع الزوائد که در حفظ متون حدیث تبحر داشت.
- ۵- جمال الدین ابوالمعالی عبدالله بن عمر بن علی بن مبارک ازهری حلاوی متوفی سال ۸۰۷ هجری قمری. ابن حجر می گوید: در میان شیوخ روایت کسی در حسن اداء به پایه او نمی رسید. و ابن حجر مسند امام احمد بن حنبل را از او فرا گرفته است.
- ۶- ابوعلی محمد بن احمد بن علی المهدی بزاز معروف به ابن مطرز متوفی سال ۷۹۷ هجری قمری.
- ۷- عبدالرحمن بن احمد بن مبارک بن حماد بن ترکی غزی معروف به ابوالفرج ابن الشیخه متوفی سال ۷۹۹ هجری قمری. ابن حجر می گوید: او دوست پدرم بود، هنگامی که در صدد آموختن حدیث برآمدم، به او پیوستم، او مرا گرامی داشت، و به صبر بر مداومت قرائت کتب وامی داشت، تا آن جا که بیشتر روایات او را فرا گرفتم، و صحیح مسلم را به روایت ابونعیم نزد او قرائت کردم.
- ۸- ابن الصائغ علی بن محمد بن محمد دمشقی معروف به پسر خطیب عین شرما متوفی سال ۸۰۰ هجری قمری. ابن حجر می گوید: سنن ابن ماجه، مسند شافعی و تاریخ اصفهان را در نزد او خواندم.
- ۹- زین الدین عمر بن محمد بن احمد بالیسی صالحی معروف به ملقن متوفی سال ۸۰۷ هجری قمری.
- ۱۰- ابوهاشم احمد بن محمد بن اسماعیل ظاهری تیمی معروف به ابن البرهان متوفی سال ۸۰۸ هجری قمری.
- ۱۱- شهاب الدین احمد بن عمر جوهری متوفی سال ۸۰۹ هجری قمری. ابن حجر می گوید: در جامع عمرو بن عاص پیش او درس خواندم، و قسمت بزرگی از تاریخ بغداد تالیف خطیب ابوبکر بغدادی و طبقات الحفاظ شمس الدین ذهبی را از او فرا گرفتم.

### در علم فقه:

- ۱- زاهد و متورع مشهور ابراهیم بن موسی بن ایوب معروف به شیخ برهان الدین انبازی مقیم قاهره متوفی سال ۸۰۲ هجری قمری.

۲ - سراج الدین عمر بن علی بن احمد بن ملقن مقیم قاهره و متوفی سال ۸۰۴ هجری قمری که در کثرت تصانیف مشهور است.

۳ - شیخ الاسلام ابو حفص عمر بن رسلان بن نصیر بن صالح بلقینی معروف به سراج بلقینی از علمای بزرگ و مفتی قاهره متوفی سال ۸۰۵ هجری قمری که در وسعت محفوظات و کثرت اطلاعات شخصیتی بینظیر بود.

۴ - محمد بن علی بن عبدالله قطان فقیه معروف و ماهر در اکثر علوم متداوله متوفی سال ۸۱۳ هجری قمری.

۵ - شیخ نورالدین علی بن احمد بن ابی آدمی.

۶ - محمد بن انس حنفی طنتدائی متوفی سال ۸۰۹ هجری قمری.

### در ادبیات عرب:

۱ - محمد بن محمد بن علی بن عبدالرزاق غماری مصری مالکی متوفی سال ۸۰۲ هجری قمری.

۲ - ادیب و فاضل مشهور محمد بن ابراهیم بن محمد دمشقی الاصل معروف به بدرالدین بشتکی متوفی سال ۸۳۰ هجری قمری.

۳ - شیخ علامه ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر شیرازی فیروز آبادی مقیم یمن و متوفی سال ۸۱۷ هجری قمری مولف کتاب القاموس.

۴ - ابوالبقاء محمد بن ابراهیم انصاری دمشقی متوفی سال ۸۳۰ هجری قمری که معلم ادبیات و عروض ابن حجر بود.

و دیگرانی که در زمینه های مختلف ابن حجر از ایشان درس گرفت از جمله: ۱ - محمد بن احمد بن علی زفتاوی

متوفی سال ۸۰۶ هجری قمری. ۲ - صدرالدین سلیمان بن عبدالناصر ابشیطی مقیم سریاقوس متوفی سال ۸۱۱ هجری قمری.

۳ - عبدالله بن خلیل بن یوسف متوفی سال ۸۰۹ هجری قمری. ۴ - قنبر بن عبدالله شیروانی ازهری

متوفی سال ۸۰۱ هجری قمری. ۵ - شمس الدین ابوالمعالی محمد بن احمد حبّتی حنبلی متوفی سال ۸۲۵ هجری

قمری. ۶ - جمال ماردانی. ۷ - احمد بن محمد خلیلی مقیم غزه. ۸ - احمد بن محمد اُیکی مقیم رمله. ۹ - عبدالله

بن خلیل بن سالم مقیم شهر الخلیل. ۱۰ - شمس الدین قلقتندی مقیم بیت المقدس. ۱۱ - بدرالدین بن مکی مقیم

بیت المقدس. ۱۲ - محمد منجی مقیم بیت المقدس. ۱۳ - محمد بن عمر بن موسی مقیم بیت المقدس. ۱۴ -

بدرالدین بن قوام بالسی مقیم دمشق. ۱۵ - فاطمه بنت منجی تنوخیه مقیم دمشق. ۱۶ - فاطمه بنت عبدالهادی

مقیم دمشق. ۱۷ - عائشه بنت عبدالهادی مقیم دمشق. ۱۸ - زین الدین ابی بکر بن حسین و عده ای دیگر.

ابن حجر شاگردان زیادی را تربیت نمود، که افراد ذیل از بارزترین آنها می باشند:



- ۱ - شمس الدین محمد بن عبدالرحمن سخاوی حافظ، فقیه، مفسر، ادیب و مورخ مشهور که همیشه ملازم ابن حجر بود، و کتابی بنام الجواهر والدرر در شرح حال استادش تألیف نموده است.
- ۲ - کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی حنفی متوفی سال ۸۶۱ هجری قمری معروف به ابن همام مدرس و دانشمند در علوم تفسیر، فقه و اصول.
- ۳ - ابوالفضل تقی الدین محمد بن محمد بن فهد هاشمی علوی اصفونی مکی شافعی متوفی سال ۸۷۱ هجری قمری مورخ بزرگ و مدرس در حدیث.
- ۴ - ابوالمحاسن جمال الدین یوسف بن امیر سیف الدین تغری بردی حنفی متوفی سال ۸۷۴ هجری قمری امام، علامه و مؤرخ بزرگ.
- ۵ - بدرالدین محمد بن ابی بکر بن احمد اسدی متوفی سال ۸۷۴ هجری قمری مشهور به ابن قاضی شهبه، فقیه، مورخ و عالم بزرگ شام.
- ۶ - ابو عبدالله محی الدین محمد بن سلیمان بن سعد بن مسعود رومی حنفی متوفی سال ۸۷۹ هجری قمری معروف به کافیچی امام بزرگ در معقولات، علوم عربی، فقه، تفسیر و حدیث. لقب کافیچی را بدان جهت به او داده اند، که اشتغال زیاد به تدریس کتاب کافیه ابن حاجب داشته است.
- ۷ - برهان الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر بن حسن بقاعی متوفی سال ۸۸۵ هجری قمری امام، مفسر، محدث، مؤرخ و ادیب.
- ۸ - ابوالفضل محب الدین محمد بن محمد بن محمود غازی ثقفی حلبی متوفی سال ۸۹۰ هجری قمری معروف به ابن شحنه قاضی القضاة حنفیه و دانشمند به علوم فقه، اصول، حدیث، تاریخ و ادبیات.
- ۹ - ابوالمحاسن جمال الدین یوسف بن شاهین کرکی متوفی سال ۸۹۹ هجری قمری معروف به نواسه ابن حجر دانشمند در علوم فقه، حدیث و تاریخ.
- ۱۰ - ابو یحیی زین الدین زکریا بن محمد بن احمد بن زکریا انصاری سنیکی مصری متوفی سال ۹۲۶ هجری قمری قاضی القضاة شافعیه و دانشمند در علم تصوف.

### تالیفات امام ابن حجر عسقلانی:

- ۱ - فتح الباری شرح صحیح بخاری در ۱۵ مجلد. می گویند: ابن حجر بیست سال در تألیف این اثر ارزشمند تلاش کرد و زحمت کشید، و وقتی خبر تألیف کتاب مذکور برای سلطان علم دوست هرات شاه رخ میرزای گورگانی رسید، قاصدی را با هدایای ارزشمندی به نزد سلطان مصر فرستاد، و از او خواست تا نسخه چند از کتاب مذکور را

برایش بفرستد، که به امر سلطان ابن حجر سه نسخه از کتاب مذکور را تهیه و به دارالسلطنه هرات فرستاد ۲ -  
 الاصابه فی تمیز الصحابه. که کتابی ارزشمند در شناخت صحابه رسول الله (ص) می باشد. ۳ - تهذیب التهذیب در  
 علم رجال. ۴ - إنباء الغمر بأبناء العمر، در دو مجلد و قسماً در موضوع تاریخ و شرح احوال بزرگان می باشد. ۵ -  
 تقریب التهذیب فی أسماء الرجال. ۶ - المطالب العالیة من رواية المسانید الثمانية. ۷ - الدراریة فی منتخب تخریج  
 احادیث الهدایة تالیف برهان الدین مرغینانی در فقه حنفی. ۸ - الدرر الکامنة فی أعیان المئة الثامنة که در موضوع  
 شرح حال بزرگان قرن هشتم هجری اعم از علماء، شعراء، روات حدیث، ملوک، سلاطین، امراء، وزراء و غیره می  
 باشد. ۹ - رفع الإصر عن قضاة مصر و آن معجمی است در باره قضات مصر از اول فتح اسلامی تا آخر قرن هشتم  
 هجری. ۱۰ - نخبة الفکر فی مصطلح أهل الأثر در موضوع مصطلحات علم حدیث. ۱۱ - تسدید القوس فی  
 مختصر مسند الفردوس. ۱۲ - بلوغ المرام بأدلة الأحكام. ۱۳ - لسان المیزان فی اختصار میزان الاعتدال در علم  
 رجال. ۱۴ - الآیات النیرات للخوارق المعجزات. ۱۵ - اتباع الأثر فی رحلة ابن حجر. ۱۶ - اتحاف المهره بأطراف  
 العشرة، یعنی کتب شش گانه و مسانید چهارگانه. ۱۷ - الإقتان فی فضائل القرآن. ۱۸ - الأجوبة المشرقة علی  
 الأسئلة المفرقة. ۱۹ - الإحکام لبيان ما فی القرآن من الإبهام. ۲۰ - أربعون حديثاً متباینه الأسانید بشرط السماع. ۲۱  
 - أسباب النزول. ۲۲ - الأسئلة الفائقة بالأجوبة الائمة. ۲۳ - الاستبصار علی الطاعن المعتار. ۲۴ - الاستدراک علی  
 الحفاظ العراقی فی تخریج احادیث الإحياء. ۲۵ - الاستدراک علی الکاف الشاف. ۲۶ - أطراف المختارة. ۲۷ -  
 أطراف الصحیحین البخاری والمسلم. ۲۸ - أطراف المسند المعتلی بأطراف المسند الحنبلی، در دو مجلد. ۲۹ -  
 الإعجاب ببيان الأسباب. ۳۰ - الإعلام بمن ذکر فی البخاری من الأعلام. ۳۱ - الإعلام بمن ولی مصر فی الإسلام.  
 ۳۲ - الإفصاح بتکمیل التکت علی ابن الصلاح، فی علوم الحدیث. ۳۳ - الأفنان فی رواية القرآن. ۳۴ - إقامة  
 الدلائل علی معرفة الأوائل. ۳۵ - الألقاب الرواة. ۳۶ - أمالی ابن حجر. ۳۷ - الإمتاع بالأربعین المتباینه بشرط  
 السماع. ۳۸ - الإنارة فی الزیارة. ۳۹ - الانتفاع بترتیب الدارقطنی علی الأنواع. ۴۰ - انتفاض الاعتراض. ۴۱ - الأنوار  
 بخصائص المختار. ۴۲ - الإیناس بمناب العباس. ۴۳ - البداية والنهاية در موضوع تاریخ. ۴۴ - بذل الماعون فی  
 فضل الطاعون. ۴۵ - البسط المبتوث فی خبر البرغوث. ۴۶ - بلوغ المرام بأدلة الأحكام در علم حدیث. ۴۷ - بیان  
 الفصل بما رجح فيه الإرسال علی الوصل. ۴۸ - تبصیر المنتبه فی تحریر المشتبه، ای مشتبهه الأسماء در علم رجال.  
 ۴۹ - تبیین العجب بما ورد فی فضل رجب. ۵۰ - تجرید التفسیر، از صحیح بخاری به ترتیب سور. ۵۱ - تحریر  
 المیزان، فی مختصر میزان الاعتدال ذهبی در موضوع تاریخ. ۵۲ - تحفة أهل التحدیث عن شیوخ الحدیث. ۵۳ -  
 تحفة الطراف بأوهام الأطراف. ۵۴ - تخریج احادیث الأذکار للنووی. ۵۵ - تخریج احادیث الأربعین للنووی. ۵۶ -  
 تخریج احادیث مختصر ابن الحجاج، در دو مجلد. ۵۷ - تخریج الأربعین النوویة بالأسانید العلیة. ۵۸ - التعلیج علی

التدریج. ۵۹ - ترجمه النووی. ۶۰ - التَّشْوِيقُ إِلَى وَصْلِ الْمَهْمِ مِنَ التَّعْلِيقِ، وَ آَنِ اَوَّلِیْنَ تَصْنِیْفِ اِبْنِ حَجْرٍ اسْتَوَى وَ كِتَابِ نَفِیْسِی مِی بَاشَد. ۶۱ - تَصْحِیحُ الرَّوْضَةِ، دَر سَه مَجْلَد. ۶۲ - تَعْجِیلُ الْمَنْفَعَةِ بِرَوَايَةِ رِجَالِ الْاَئِمَّةِ الْاَرْبَعَةِ دَر عِلْمِ رِجَال. ۶۳ - التَّعْرِیْفُ الْاَوْحَدُ بِاَوْهَامٍ مِّنْ جَمْعِ رِجَالِ الْمَسْنَدِ. ۶۴ - تَعْرِیْفُ اَوْلَى التَّقْدِیْرِ بِمَرَاتِبِ الْمَوْصُوفِیْنَ بِالْتَدْلِیْسِ. ۶۵ - تَعْرِیْفُ الْفِئَةِ بِمَنْ عَاشَ مِئَةً مِّنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ. ۶۶ - تَعْقُّبَاتٌ عَلٰی الْمَوْضُوعَاتِ اَعْنٰی مَوْضُوعَاتِ اِبْنِ الْجَزْرِیِّ. ۶۷ - تَعْلِیْقُ التَّعْلِیْقِ دَر عِلْمِ حَدِیْثِ. ۶۸ - تَقْرِیْبُ الْغَرِیْبِ. ۶۹ - تَقْرِیْبُ الْمَنْهَجِ بِتَرْتِیْبِ الْمَدْرَجِ. ۷۰ - تَقْوِیْمُ السَّنَادِ بِمَدْرَجِ الْاِسْنَادِ. ۷۱ - التَّمِیِزُ فِی تَخْرِیْجِ اَحَادِیْثِ الْوَجِیْزِ، دَر دُو مَجْلَد. ۷۲ - تَهْذِیْبُ الْمَدْرَجِ. ۷۳ - تَوَالِی التَّاسِیْسِ بِمَعَالِی اِبْنِ اِدْرِیْسِ اَعْنٰی الْاِمَامِ الشَّافِعِیِّ. ۷۴ - تَوْضِیْحُ الْمُشْتَبِهِ لِلاَزْدِیِّ فِی الْاَنْسَابِ. ۷۵ - التَّوْفِیْقُ بِتَعْلِیْقِ التَّعْلِیْقِ. ۷۶ - الْجَوَابُ الْجَلِیْلُ عَنِ حَكْمِ بَلَدِ الْخَلِیْلِ. ۷۷ - الْجَوَابُ الشَّافِعِیِّ عَنِ السُّؤَالِ الْخَافِیِّ. ۷۸ - الْخِصَالُ الْمَكْفُورَةُ لِلذَّنُوبِ الْمَقْدَمَةُ الْمُؤَخَّرَةُ. ۷۹ - الْخِصَالُ الْوَارِدَةُ بِحُسْنِ الْاِتِّصَالِ. ۸۰ - الذَّرْرُ فِی نَفَقَةٍ قَلِیْلَةٍ. ۸۱ - دِیْوَانُ شَعْرِ. ۸۲ - دِیْوَانُ مَنظُورِ الذَّرْرِ. ۸۳ - ذِیْلِ الذَّرْرِ الْكَامِنَةُ. ۸۴ - رَدُّ الْمَحْرَمِ عَنِ الْمُسْلِمِ. ۸۵ - الرَّسَالَةُ الْعَزِیَّةُ فِی الْحِسَابِ. ۸۶ - الزَّهْرُ الْمَطْلُوبُ فِی بَيَانِ الْحَدِیْثِ الْمَعْلُولِ. ۸۷ - الزَّهْرُ التَّضَرُّ فِی اَنْبَاءِ الْخَضِرِ. ۸۸ - السَّبْعَةُ النَّیْرَاتُ فِی سَبْعَةِ اَسْئَلَةٍ عَنِ السَّیِّدِ الشَّرِیْفِ فِی مَبَاحِثِ الْمَوْضُوعِ. ۸۹ - سَلُوتٌ ثَبَتَتْ كَلُوتٌ: التَّقَطُّهَا مِّنْ ثَبَتِ اَبِی الْفَتْحِ الْقَاهِرِیِّ. ۹۰ - شَرْحُ الْاَرْبَعِیْنَ النَّوَوِیَّةِ. ۹۱ - شَرْحُ سُنَنِ التِّرْمِذِیِّ. ۹۲ - شَرْحُ مَنَاسِكِ الْمِنْهَاجِ. ۹۳ - شَرْحُ مِیْنَهَاجِ النَّوَوِیِّ. ۹۴ - شِفَاءُ الْغُلْلِ فِی بَيَانِ الْعِلْلِ. ۹۵ - الشَّمْسُ الْمُنِیْرَةُ فِی مَعْرِفَةِ الْكَبِیْرَةِ. ۹۶ - طَبَقَاتُ الْحِفَاطِ، دَر دُو مَجْلَد. ۹۷ - عَرَائِصُ الْاَسَاسِ فِی مُخْتَصَرِ الْاَسَاسِ الْبَلَاغَةِ، لِلزَّمْخَشَرِیِّ. ۹۸ - عَشَارِیَاتُ الْاَشْیَاحِ. ۹۹ - عَشْرَةُ اَحَادِیْثِ عَشَارِیَّةِ الْاِسْنَادِ. ۱۰۰ - عَشْرَةُ الْعَاشِرِ. ۱۰۱ - فَصَائِلُ شَهْرِ رَجَبِ. ۱۰۲ - فَهْرَسْتُ مَرْوِیَاتِهِ. ۱۰۳ - فَوَائِدُ الْاِحْتِفَالِ فِی بَيَانِ اَحْوَالِ الرَّجَالِ، لِرِجَالِ الْبَخَارِیِّ. ۱۰۴ - الْفَوَائِدُ الْجَمَّةُ فِیْمَنْ یَجِدُ الدِّیْنَ لِهَذِهِ الْاُمَّةِ. ۱۰۵ - قَدَى الْعَیْنِ مِّنْ نِّظْمِ غَرِیْبِ الْبَیِّنِ. ۱۰۶ - الْقَضَارِیُّ فِی الْحَدِیْثِ. ۱۰۷ - الْقَوْلُ الْمُسْتَدَدُ فِی الذَّبِّ عَنِ الْمَسْنَدِ لِاِمَامِ اَحْمَدَ. ۱۰۸ - الْكَافُ الشَّافِعِیُّ فِی تَحْرِیْرِ اَحَادِیْثِ الْكَشَافِ. ۱۰۹ - كَشْفُ السِّتْرِ عَنِ حَكْمِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْوَتْرِ. ۱۱۰ - لَذَّةُ الْعَیْشِ بِجَمْعِ طَرِیْقِ حَدِیْثِ (الْاَئِمَّةُ مِّنْ قَرِیْشِ). ۱۱۱ - الْمَجْمَعُ الْمَوْسُسُ فِی الْمُعْجَمِ الْمَفْهَرَسِ فِی اَسَامِیِّ شِیْوَخِهِ. ۱۱۲ - مُخْتَصَرُ الْبَدَايَةِ وَالنَّهَايَةِ لِابْنِ كَثِیْرٍ. ۱۱۳ - مُخْتَصَرُ تَهْذِیْبِ الْكَمَالِ، حَافِظُ مَزَى دَر شَشْ مَجْلَد. ۱۱۴ - الْمَرْجَمَةُ الْغَیْثِیَّةُ فِی تَرْجَمَةِ الْاَلِیْثِیَّةِ. ۱۱۵ - مَزِیْدُ النَّفْعِ بِمَا رَجَعَ فِیهِ الْوَقْفُ عَلٰی الرَّفْعِ. ۱۱۶ - الْمَسْلَسُ بِالْاَوْلٰیةِ بِطَرَقِ عَلَیْهِ. ۱۱۷ - الْمَسْنَدُ الْمَعْتَلٰی بِاَطْرَافِ الْحَنْبَلِیِّ. ۱۱۸ - الْمُشْتَبِهُ. ۱۱۹ - الْمَطَالِبُ الْعَالِیَةُ مِّنْ رَوَايَةِ الْمَسَانِدِ الثَّمَانِیَّةِ. ۱۲۰ - الْمَقْتَرَبُ فِی بَيَانِ الْمَضْطَرَبِ. ۱۲۱ - الْمَقْصَدُ الْاَحْمَدُ فِیْمَنْ كَنِیْتُهُ اَبُو الْفَضْلِ وَ اسْمُهُ اَحْمَدُ. ۱۲۲ - الْمَمْتَعُ فِی مَنْسَكِ الْمَمْتَمَعِ. ۱۲۳ - الْمَنْحَةُ فِیْمَا عَلِقَ بِهِ الشَّافِعِیُّ الْقَوْلُ عَلٰی الصَّحَّةِ. ۱۲۴ - مَنْسَكُ الْحَجِّ. ۱۲۵ - النَّبَا الْاَنْبِیُّ فِی بِنَاءِ الْكَعْبَةِ. ۱۲۶ - نَزْهُةُ الْاَلْبَابِ فِی الْاَنْسَابِ. ۱۲۷ - نَزْهُةُ الْقُلُوبِ فِی مَعْرِفَةِ الْمَبْدَلِ عَنِ الْمَقْلُوبِ. ۱۲۸ - نَزْهُةُ النَّظْرِ بِتَوْضِیْحِ نَخْبَةِ



الفکر. ۱۲۹ - النکت الحَدِيثِيَّةُ عَلَى كِتَابِ ابْنِ الصَّلَاحِ فِي مِصْطَلِحَاتِ حَدِيثِ. ۱۳۰ - نِهَائَةُ التَّقْرِيبِ وَ تَكْمِيلِ التَّهْذِيبِ بِالتَّهْذِيبِ. ۱۳۱ - النِّيْرَاتِ السَّبْعَةُ، دِيْوَانِ ابْنِ حَجْرٍ. ۱۳۲ - هِدَايَةُ الرَّوَاهِ إِلَى تَخْرِيجِ الْمَصَابِيحِ وَالْمَشْكَاهِ. ۱۳۳ هِدْيِ السَّارِي لِمَقْدَمَةِ فَتْحِ الْبَارِي فِي شَرْحِ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ. ۱۳۴ - تَقْرِيبِ الْغَرِيبِ وَ إِتْحَافِ الْمَهْرَةِ بِأَطْرَافِ الْعِشْرَةِ، فِي هَشْتِ مَجْلَدٍ. ۱۳۵ - رِجَالُ الْأَرْبَعَةِ أَعْنَى رِجَالِ الْحَدِيثِ. ۱۳۶ - نَتَائِجُ الْأَفْكَارِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْأَذْكَارِ لِلنَّوَوِيِّ.

ابن حجر طبق معمول در روز سه شنبه پانزدهم ماه ذی الحجه سال ۸۵۲ هجری قمری بر سر درس شاگردانش حاضر گردید، اما در آن حال درد معده شدید ی را احساس نمود، که حالش بهم خورد، و بعدا بیماری وی شدت پیدا کرد، که به اثر آن در شب شنبه هژدهم ماه ذی الحجه سال ۸۵۲ هجری قمری وفات یافت. در تشیع جنازه او در حدود پنجاه هزار نفر به شمول سلطان مصر شرکت کردند، و سلطان و بزرگان دولت مصر جنازه او را بر دوش خود حمل نمودند، و بر جنازه او علم الدین بلقینی یکی از علمای بزرگ مصر نماز خواند، و او را در قبرستان خاندان خروبی بین مرقد امام شافعی و شیخ مسلم سلمی در برابر مسجد جامع دیلمی دفن کردند.

#### منابع و مآخذ:

- ۱ - شذرات الذهب مجلد هفتم صفحه ۴۰۷، ۴۰۸ و ۴۰۹ حوادث سال ۸۵۲ هجری قمری تالیف شهاب الدین ابن عماد حنبلی - عربی.
- ۲ - كشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ تالیف مصطفی بن عبدالله رومی حنفی - عربی.
- ۳ - مقدمه الاصابه فی تمییز الصحابه جلد اول از صفحه ۹۰ الی صفحه ۱۱۲ - عربی.
- ۴ - ویکیبیدیا الموسوعه الحره (صفحه دائره المعارف عربی) تاریخ نشر ۲۶ جنوری سال ۲۰۱۸ میلادی ساعت ۲۰/۴۵ عربی.
- ۵ - صفحه معهد آفاق التیسیر للتعلیم عن بعد - دوله السعودیه الرياض - تاریخ التسجيل - جنوری سال ۲۰۱۲ عربی.
- ۶ - ویکی فقه دانشنامه حوزوی - بر گرفته از دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف اسلامی - ایران - مقاله ابن حجر عسقلانی - جلد سوم - صفحه ۱۰۸۶ فارسی.